

آینه

روشن‌نگار

ما، اصلاح‌طلبان، تهران و آقای علم‌الهدی!

● **حسن قربانی**: در مثل مناقشه نیست. اگر چنانکه اصلاح‌طلبان وانمود می‌کنند، «شورای نگهبان» را ه‌سوی آنها بدانیم و رابطه‌شان را هم رابطه جن و بسم‌الله، انتخابات شورای شهر حتما ماه عسل این طیف است. در شورای شهر که نظارت شورای نگهبان بالای سرش نیست، اصلاح‌طلبان می‌توانند چند ورزن بالاتر از امثال محمود صادقی یا محمدعلی وکیلی و علی مطهری حاضر در مجلس را هم به میدان بیاورند تا بالاخره یک جا هم که شده، بتوانند ظرفیت واقعی خود را بروز دهند! در ایسن میان، باز قصه تهران و شورای این شهر یک موقعیت اکازیون در همین ماه عسل است. تهران نه‌تها در چشم است و جایی است که اگر بترکاند، همه ایران باخبر می‌شوند. که یک ترقه‌ترکاند در آن، بیشتر از بمب‌ترکاندن در سیستان‌ویلوچستان صدا خواهد داشت و از باب وسعت کار و امکانات هم همین بس که شهردار تهران عضو هیئت دولت است و شوری شهر تهران مانند یک دولت بودجه‌بندی سالانه ... دارد. نکاهی به مدیریت مطلق‌العنان این طیف در تهران یک سال اخیر اما بیش از آنکه مردم را یاد ماه عسل بیندازد، یاد راهبرهای دادگاه خانواده انداخته است!



درآمدهای گمشده قبلی را پیدا کنید

● **محمد مهدی تذکوبان**، عضو شورای سابق تهران، ما نیاز به یک مدیریت یکپارچه شهری داریم که متأسفانه در حال حاضر اصلا وجود ندارد؛ نباید این‌گونه باشد که هر شهرداری براساس روابط شخصی و جناحی خود بتواند یک‌سری موضوعات و مشکلاتش را حل کند. این بحث همان بحث مدیریت یکپارچه شهری است یعنی تمام نهادهایی که در یک شهر وجود دارند از جمله نهادهای درآمدی، نظارتی، انتظامی و تمام نهادهای فرهنگی باید زیرمجموعه یک مدیریت واحد شهری قرار گیرد تا آن مدیر بتواند در کسب درآمدها و هم در تعاملاش با آنها هماهنگ شود. متأسفانه قانون مدیریت شهری اجرا نمی‌شود و کسی هم پیگیر موضوع نیست بنابراین باید یک دستگاه نظارت بالاتری مانند مجلس ورود پیدا کند و در موضوع حقوق شهروندی و مدیریت شهری این مدیریت یکپارچه به وجود بیاید اما به جهت آنکه چنین دستگاهی وجود ندارد شهردارها براساس روابط شخصی‌شان موضوعات را پیش می‌برند. ممکن است آقای قالیباف به جهت گرایش جناحی یا بحث نظامی‌بودنشان یک‌سری روابط داشته باشند که از آنها در جهت مدیریتشان استفاده می‌کردند و هیچ کسی هم نمی‌تواند منکر این موضوع شود اما این موضوع نباید رابطه‌ای باشد و به صورت قانون منظم و مشخص شکل گیرد. تقریباً در کشورهای توسعه‌یافته تمام منابع درآمدی مربوط به یک شهر در اختیار شهرداری است.

اعتراض

مدیران بلندقد

● **سیدمحمد بهشتی**: اصولاً یک قاعده کلی در عرصه مدیریت وجود دارد؛ مدیران قدکوتاه اصرار دارند اطراف‌شان آدم‌های با قد کوتاه‌تر از خودشان باشند اما مدیران بلندقد، اصرار دارند اطراف‌شان، مدیرانی با قد بلندتر از خودشان باشند. وقتی قرار است مشکلات شهر تهران را با اندیشه، با فکر، با حل‌کردن معادلات پیچیده نرم‌افزاری حل‌فصل کنیم، مستلزم آن است که مدیریت شهری، آدم‌های اندیشمند و صاحب‌نظر با قد‌های به‌مراتب بلندتر از قد خودش را اطراف خود جمع کند. این توصیه‌ای است به آقای حاجی که ایسن رویکرد می‌تواند موفقیت‌های زیادی به همراه داشته باشد که اهالی فکر و اندیشه در حوزه مسائل شهری را بیارمون خود جلب کند.

جمهوری اسلامی

تیر خلاص به معامله بزرگ قرن

● پیروزی اخیر مقاومت و شکست اشغالگران را باید به منزله «تیر خلاص به معامله بزرگ قرن» ارزیابی کرد که نشان داد مقاومت در صورت پایداری بر مواضع خود و نشان‌دادن ابتکار عمل در راه خنثی‌کردن توطئه‌های دشمن اشغالگر می‌تواند طرح‌های شیطانی را با شکست کامل مواجه سازد. اشغالگران تصور کردند که مغالزه با سران چند رژیم فاسد عربی، پایان کار فلسطینی‌هاست و آنها با طمع و فریب دربارهای ارتجاع عرب، گوی سبقت را ربوده‌اند و نه‌تها فلسطین به چنان عرب را هم تسخیر کرده‌اند. اظهارات ابلهانه بن‌سلمان در واشنگتن که می‌گفت دیگر فلسطین جزو اولویت‌های اعراب نیست، بلکه ایران و سایر مجموعه‌های مقاومت در منطقه را باید خطری برای اعراب ارزیابی کرد، صهیونیست‌ها را به قدری خشنود و امیدوار کرد که تصور کردند می‌توانند فلسطینی‌ها را بیش‌ازپیش تحت فشار قرار دهند و هیچ‌کس فربادهای فلسطین را جدی نگیرد. ولی هرگز انتظار نداشتند مقاومت در غزه به تنهایی آنها را از پا درآورد. حوادث اخیر، ابعاد آسیب‌پذیری اشغالگران را بر رخ کشید و نشان داد که اگر اراده مقاومت در فلسطینی‌ها احیا شود، آنها می‌توانند چهارمین ارتش دنیا را هم زمین‌گیر و منفعل سازند و ابعاد ناکارآمدی شرارت اشغالگران را به دوست و دشمن به وضوح ثابت کنند، درسی بزرگ که نباید فراموش گردد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه اول

مخالفت‌ها علیه FATF چیست؟

هر دو به بهانه دفاع از انقلاب و اسلام و استقلال کشور انجام می‌شود، ولی اینجا یک مقدار شدیدتر است.

مخالفت‌ها از برجام بیشتر است؟!

بله، این مخالفت‌ها به نظر شدیدتر می‌آید. خیلی بیشتر دست‌وپا می‌زنند و تلاش می‌کنند که به هر نحوی که شده این لوابج تصویب نشود.

موافقان و مخالفان در این دو ماجرا نسبتاً ثابت هستند، به نظر شما تفاوت شدت از کجا می‌آید؟

در برجام مخالفت‌ها بیشتر جنبه سیاسی داشت و اینجا شاید جنبه اقتصادی آن بیشتر باشد. آنجا حسن‌نیت بیشتر بود؛ شاید عده‌ای دلشان برای استقلال کشور می‌سوخت. اینجا هم هستند افرادی که از روی دلسوزی حرف می‌زنند، ولی به نظر می‌آید که این‌بار جنبه مالی و اقتصادی نیز دارد. به‌رحال خیلی طبیعی فرستادند... طبیعی به نظر نمی‌آید.

برای نمایندگان هم تأثیر داشت....

بی‌تأثیر نبود.

CFT در قیاس با دو لایحه قبلی مربوط به FATF یعنی پالرمو و «اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی» ریزش رأی محسوسی داشت. نمایندگان قبل از رأی‌گیری تأکید داشتند که CFT با رأی قاطع تصویب خواهد شد، اما رأی‌ها نسبت به لوابج پیش ریخت. فکر کنم تا ۹، ۱۰ رأی تصویب شد.

البته اختلاف ۲۳ رأی بود، اما اگر ۱۱، ۱۲ نفر برعکس رأی می‌دادند، نتیجه جابه‌جا می‌شد. مقداری ناشی از فشارها بود، مقداری هم ناشی از این بود که در زمان بررسی این لایحه، اقدامی انجام شد - نامه‌ای آماده کردند- که آرا اعلام شود. فکر کنم بعضی‌ها احساس کردند ممکن است آرا بعدا اعلام شود و ملاحظاتی داشتند و شاید برعکس رأی دادند؛ من این احتمال را می‌دهم که بعضی‌ها کمی نگران شدند و برعکس رأی دادند تا مورد آزار وادیت قرار نگیرند. فکر می‌کردیم اختلاف بیش از این باشد.

با توجه به اینکه شما دوره سوم نمایندگی خود را در مجلس می‌گذرانید و از نزدیک با موضوع‌گیری‌ها و موافقت‌ها و مخالفت‌ها در تماس بوده‌اید، به نظر‌تان جناح‌بندی‌های امروز ایران آ یا دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی قابل توضیح است یا اینکه مرزبندی‌ها تغییر کرده است؟

به‌رحال هنوز دسته‌بندی اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود دارد، منتها من معتقدم که افراد دلسوز و کسانی که به فکر آینده کشور هستند در هر دو گروه زیاد نیستند؛ یعنی یک مقدار جنبه تصاحب پست‌ها و قدرت‌طلبی بر دلسوزی و به فکر آینده کشور و انقلاب بودن می‌چربد. به نظر من افراد دلسوز در دو طرف کم هستند و جنگ قدرت حاکم است. این چیزی است که خیلی به ما آسیب زده است. بعد از توافق برجام اگر جنگ قدرت در کار نبود و کل کشور برای اجرای برجام متحد می‌شدند ما هیچ مقدار خیلی بهتر از این استفاده می‌کردیم. بخشی دنبال این بود که برجام اجرا نشود. علت هم این بود که فکر می‌کردند اگر اجرا شود بنفع دولت و باعث پیروزی دولت می‌شود و بعداً به ضرر ما خواهد شد و می‌خواستند اجرا نشود. درحالی‌که اگر همه با هم بودیم و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور انجام می‌شد، خروج آقا ترامپ از این توافق به آسیانی نمی‌توانست انجام شود. من معتقدم که اگر مذاکره با آمریکا و برجام به وسیله همین مخالفان انجام می‌شد، حتماً از آن دفاع می‌کردند. با همین لوابج مرتبط با FATF اگر در دوره خودشان بود حتما دفاع می‌کردند، ولی چون احساس می‌کنند خارج از دولت هستند، مخالفت می‌کنند.

دکتر محمد فاضلی هم چندین‌بار این را گفت که کشور در شرایطی است که هرکسی می‌تواند با اقتدار اقدامی کند، طرف مقابل کارشکنی می‌کند تا اعتبار موفقیت نصیب کسی نشود. به‌نظر شما چرا در کشورهای توسعه‌یافته، ما با این موضوع کمتر روبه‌رو هستیم و اینجا طوری است که به‌تعبیر شما از منافع ملی می‌بازند؟ آیا از اینکه در آینده از عرصه سیاسی حذف شوند، می‌ترسند؟

ظاهراً تقوای سیاسی در کشورهای پیشرفته بیشتر است و به منافع ملی بیشتر اهمیت می‌دهند. به‌نظر من خلوص‌نیت‌ها و تقوای اوایل انقلاب کم شده. علی‌رغم ادعاهایی که داریم و از کار برای خدا دم می‌زنیم، ولی عملاً و در واقع همدف اکثر ما شده قدرت و تصاحب پست؛ اینکه پست‌ها را افراد و گروه خودمان بگیرند. چون احزاب قوی هم نداریم که کانال درستی برای انتقال قدرت و سپردن پست‌ها به افراد باشد، هر شخص شده که منافع کشور دیده نشود و پیروزی خود را در شکست رقیب ببینیم. اشکال اصلی به‌نظر من کم‌شدن تقوا و خلوص نیت است. باید برگردیم به اخلاق و ارزش‌هایی که برای آنها انقلاب کرده‌ایم.

می‌توان برگشت؟

اینجا روحانیت و بزرگان قوم وظیفه دارند که بازبینی کنند برای چه انقلاب کردیم. اگر بنا بود نزاع بر سر این چیزها باشد که لزومی نداشت انقلاب کنیم. اگر واقعاً برای ارزش‌های بزرگی انقلاب کردیم، باید پای آنها بایستیم.

یعنی اگر شما بخواهید تحلیلی ارائه دهید که چرا امروز اینجا ایستاده‌ایم -تمام ناکارآمدی‌ها، فساد سیستماتیک و...- همین را می‌گویید؟

دلیل اصلی همین بوده؛ یعنی خنثی‌کردن کار یکدیگر. هر کسی می‌خواهد از ابتدا شروع کند. هم‌افزایی

سیاست

خطری که مجلس را تهدید می‌کند



عکس امیر جعفری

نداریم که دنبال کار یکدیگر را بگیریم و جلو برویم. همین گروه‌گرایی‌ها و جناح‌بندی‌ها به‌نظر من برای کشور مشکل درست کرده است. هر گروهی که به قدرت می‌رسد می‌خواهد همه مدیران را تغییر دهد و گروه قبلی را می‌کوبد. حتی خود آقای روحانی هم بیش از حد دولت گذشته را کوبید و به آنها حمله کرد. خب طرف مقابل کینه به دل می‌گیرد و کارشکنی می‌کند. اگر نگاه ما نگاه اصلاح کشور و جامعه باشد و این انتقام‌جویی‌ها و کینه‌جویی‌ها نباشد، کارها خیلی بهتر انجام می‌شود. البته مشکلات امروز ما دلایل دیگری هم دارد. گذشته از فشارهای خارجی، کوچک و ضعیف‌بودن بخش خصوصی ما و اینکه بخش بزرگی از اقتصاد ما در دست نهادهای حکومتی است و رقابت به معنی واقعی کلمه وجود ندارد و در مسائل اجتماعی و حقوق شهروندی نیز عمل‌نگردن به قانون اساسی و دورزدن آن می‌شود. البته وضع موجود است. البته وضع فعلی انقلاب اسلامی نقاط مثبت و افتخار آمیز زیادی هم دارد که فعلاً مورد بحث نیست.

اخیرا شما در موضوع «هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» خیلی فعالانه تلاش می‌کنید. به تعبیر خودتان اگر این «شورای نگهبان دوم» تثبیت نشود، جعفر مجلس بلاموضوع می‌شود؟ اگر این رویه تثبیت شود مجلس دیگر کجای بازی قرار می‌گیرد؟

بله به نظر من این خطری است که مجلس را تهدید می‌کند. خیلی‌ها به این موضوع توجه ندارند و خطر را درست درک نمی‌کنند. قبلاً مجلس تضعیف شده و یک جاهایی دور زده شده؛ مثلاً با تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی و اینکه دست آنها را جاهایی باز گذاشته‌اند که قانون‌گذاری هم بکنند. البته اگر صرفاً سیاست‌گذاری کنند مشکلی نیست اما اینجا گاهی قانون‌گذاری می‌کنند؛ مثلاً قانون ستاره‌دارکردن دانشجویان کارشناسی را در قالب انقلاب فرهنگی است. معلوم نیست مبنای قانونی قانون‌گذاری این شوراها کجاست چون ما در قانون اساسی که این شوراها را نداریم و تنها نهاد قانون‌گذار کشور مجلس است. شورای عالی امنیت ملی البته در قانون اساسی هست اما آن هم گاهی جاهایی وارد می‌شود که در حوزه وظایفش نیست؛ مثلاً کار قوه قضائیه را انجام می‌دهد، مثل قضیه حصر خانگی که برای افراد بدون محاکمه مجازات تعیین می‌کند. این هم دورزدن قوه قضائیه و قانون است. تشکیل سازمان اطلاعات سپاه بود و این چنین است. خودش یک دفعه تشکیل می‌شود بدون اینکه قانون تشکیلات و شرح وظایف داشته باشد و رئیس این سازمان موظف به پاسخ‌گویی در مقابل مجلس باشد. مجلس نمی‌تواند به این سازمان تذکر بدهد یا سؤال و استیضاح کند. حالا اینکه گاهی دوستانه خودشان می‌آیند یک بحث دیگر است.

تا به حال مجلس آمده‌اند؟
گاهی به تناسب موضوع به کمیسیون امنیت ملی آمده‌اند اما نه اینکه آمده باشند جواب بدهند که اگر ما قانع نشویم به صحن مجلس بیایند، بلکه یک جاهایی که به‌نفع آنهاست می‌آیند. اینها همه محدودکردن مجلس است. شاید بتوان گفت که این قضیه جدید هم یک بخواهد هم به این صورت جا بینفتد تیر خلاص است... یعنی ندارد که شما بیا باید مصوبه را بررسی کنید، مصوبه را فقط شورای نگهبان، آن هم برای انطباق با شرع و قانون اساسی می‌تواند بررسی کند و سیاست‌های کلی هم جزء قانون اساسی نیست. این یک بدعت است

گاهی به تناسب موضوع به کمیسیون امنیت ملی آمده‌اند اما نه اینکه آمده باشند جواب بدهند که اگر ما قانع نشویم به صحن مجلس بیایند، بلکه یک جاهایی که به‌نفع آنهاست می‌آیند. اینها همه محدودکردن مجلس است. شاید بتوان گفت که این قضیه جدید هم یک بخواهد هم به این صورت جا بیفتد تیر خلاص است؛ اینکه مجلس چیزی را تصویب کند و به شورای نگهبان برود و هم‌زمان به مجمع برود و هیئت عالی نظارت آن را بررسی کند و ایراد بگیرند و مصوبه را به مجلس برگردانند و بگویند این‌جاها را باید اصلاح کنید. در قانون اساسی، ما چنین چیزی نداریم. سیاست‌های کلی نظام را رهبری از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌کنند؛ یعنی مجمع تعیین می‌کند و به تأیید رهبری می‌رسد؛ بنابراین تعبیر «سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری» دقیق نیست، وظیفه بهتر است بگوییم سیاست‌های کلی نظام. وظیفه نظارت بر اجرای این سیاست‌ها نیز با خود رهبر است. اینجا رهبری این وظیفه را به این هیئت تفویض کرده است. اول خود مجمع بود، بعد شد این هیئت ۱۵ نفره. به‌نظر من اینجا سوءاستفاده کردند. مجمع و شورای نگهبان برادشت غلطی دارند که این موضوع را به این معنی می‌دانند که این هیئت باید مصوبات مجلس را بررسی کند و از حیث تطبیق با سیاست‌های کلی نظر بدهد. کاری شبیه کار شورای نگهبان در تطبیق مصوبات با شرع و قانون اساسی. به‌نظر من از این تفویض چنین چیزی برداشت نمی‌شود. چون در بند مورد استاد آنها یعنی بند «آ» اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌گوید نظارت بر «اجرای» سیاست‌های کلی؛ یعنی رهبر موظف است در

این نیست. توجیهات عجیب‌وغریبی می‌کنند؛ می‌گویند چون تفویض رهبری است، این هیئت بالاتر از مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت است. اصلاً این حرف‌ها را نداریم. رهبری هم در چارچوب قانون اساسی تفویض می‌کنند و این تفویض در اجرا نباید خلاف قانون اساسی باشد.

خلاف قانون اساسی که شما از نزدیک دیدید، کدام کارآمدتر بود؟ به نظر شما فهرست امید چقدر توانست مجلس را تغییر دهد؟ موفق بود؟

هر سه مجلس از نظر کار تخصصی تقریباً در یک سطح هستند. فراکسیون امید تا حدودی فضا را عوض کرده است؛ البته بهتر از اینها می‌تواند عمل کند و مؤثرتر باشد. در مسائل اساسی باید بیشتر وارد شود. بالاخره آن تئدری‌های دو مجلس قبلی کمتر شده است. تعداد عقلائی مجلس بیشتر شده است. فراکسیون امید باید مقداری از این محافظه‌کاری بیرون بیاید و در مسائل اساسی بیشتر وارد شود.

جعفر این نقد به رئیس فراکسیون برمی‌گردد؟
ایشان روش خودشان را دارند و مقداری ملاحظه‌کار هستند. در قوه قضائیه و چه در مجلس احساس می‌کنند این آقای عارف باید وارد شوند. شاید چون خودشان عضو مجمع تشخیص مصلحت هستند، صلاح نمی‌دانند.

مرگ آقای هاشمی را کسی دنبال می‌کند؟

در درجه اول خانواده‌شان باید پیگیری کنند. آنها مدعی بودند که مواد رادیوکتیو در خون ایشان بود.

شورای عالی امنیت ملی هم این موضوع را تأیید کرد.

گفتند بوده، اما نه در حدی که باعث مرگ بشود. اینکه چطور بوده، من نمی‌دانم؛ چون این مسئله‌ای است که باید اسناد و مدارک داشته باشیم و نمی‌توان درباره آن صرفاً ادعا کرد. ممکن است قرائن نشان دهد مرگ طبیعی نیست، ولی چون مدرکی در دست نیست، کسی نمی‌تواند خیلی محکم بایستد و قضیه را دنبال کند. ماجرا روشن نیست.

بحثی که مطرح است، این است که به‌هرحال رادیوکتیو غیرطبیعی در بدن مرحوم هاشمی بوده است. در بدن مهرش‌شان هم بوده، اما کمتر؛ یعنی به‌هرحال این موضوع یک لیلی داشته است. این سؤال پیش می‌آید که چطور از کنار این موضوع راحت عبور می‌شود؟

اینجا یا خانواده باید خیلی جدی ورود کند یا مدعی‌العموم باید دنبال قضیه را بگیرد. برای افراد ثالث مشکل است وارد شوند؛ چه بگویند.

شما در مجلس هشتم با فهرست «رایحه خوش خدمت»-فهرست نزدیک به آقای احمدی‌نژاد- در انتخابات شرکت کردید و همواره نیز به‌عنوان یک اصولگرا شناخته می‌شدید. شما تغییر کرده‌اید یا صحنه سیاست کشور دستخوش تغییر شد که از میان اصلاح‌طلبان سر درآوردید؟ الان اگر بخواهید خودتان را در جناح‌های سیاسی جابجایی کنید، از چه تعبیری استفاده می‌کنید؟

من خودم هشتم دیگر (خنده). این دسته‌بندی‌ها را خیلی قبول ندارم و از اول هم خیلی در این قالب‌ها نبودم. اینکه از آن طریق وارد مجلس شدم، به معنای داشتن تعصب گروهی نیست. این موضوع را قبلاً توضیح داده‌ام که آن‌وقت رئیس ستاد بزرگداشت شهید آیه‌الله مطهری آقای مصلحی بود. چند ماه قبل از انتخابات که تصمیم گرفتم کاندیدا شوم، موضوع را به او گفتم. آنها هم اسم ما را در فهرست گذاشتند. حالا فرض کنید من به آقای عسکرآولادی می‌گفتم که در فهرست «پیروان امام و رهبری» می‌رقم یا آن گروه سوم که اسمشان یادم نیست. به هرکدام می‌گفتم اسمم را می‌گذاشتند؛ بنابراین هیچ تعمدی نبود که از این راه وارد شوم؛ البته آن‌موقع مواضعم نزدیک به اصولگرایان بود و با تئدری‌های اصلاح‌طلبان مخالف بودم؛ منتها بعد از ورود به مجلس هشتم، دیدم اینها یک جور خاص هستند. مثلاً رئیس‌جمهور با صراحت می‌گفت فلان قانون را اجرا نمی‌کنم و آنها خیلی راحت از کنارش عبور می‌کردند، یا می‌گفت فلان قانون‌هایی را که خودم تشخیص می‌دهم منطبق بر قانون اساسی است اجرا می‌کنم و بقیه را اجرا نمی‌کنم. به صراحت این حرف‌ها را می‌زد اما آنها خیلی راحت می‌گفتند چون رهبری از دولت حمایت کرده ما هم حمایت می‌کنیم و مخالفت نمی‌کنیم. درم این‌طوری نمی‌شود، پس ما به عنوان نماینده چه‌کاره هستیم؛ من مخالفت می‌کردم آنها هم ناراحت می‌شدند و کم‌کم حمایت می‌کردند. به‌ویژه به جوامع با فعالیت بیشتری می‌کنند. به‌ویژه به جوامع با فعالیت باید در این استان به‌گونه‌ای کار کنیم که برای دیگر استان‌های کشور نمونه و الگو باشد تا افرادی که در مرزها زندگی می‌کنند، خیالشان از مرکز کشور راحت باشد و بدانند به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه می‌شود و این توجه به مسائل اثر خود را در جای‌جای کشور می‌گذارد.»

استاندار سابق تهران با بیان اینکه فرصت برای خدمت دائمی نیست، گفت: «باید از این فرصت که در اختیار ما قرار داده می‌شود، حداکثر استفاده را بکنیم و بدانیم که تنها چیزی که نمی‌توانیم برگردانیم، فرصت‌هایی است که از دست رفته است و با تمام توان در هر مسئولیتی که هستیم، از این فرصت برای خدمت به مردم استفاده کنیم.»

او همچنین ادامه داد: «بعد از اعتقاد به خدا هیچ چیزی بالاتر از سرمایه‌انسانی نیست و مدیران سرمایه‌جمهوری اسلامی هستند. درست است که نفت و منابع خوب است اما چیزی که آن را به حرکت درمی‌آورد، نیروی انسانی است. بنابراین به این راحتی اجازه ندهید مدیریت مورد ران‌آق‌قدر بزرگ تکنید که نتوان دیگر جمع کرد. برطرف شود و به سمت جلو حرکت کرد. نباید یک لحظه از وقتمان را از دست بدهیم.»

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

قائم‌مقام وزیر کشور:

تغییر استانداران در این زمان سخت بود

● **ایسنا**: قائم‌مقام وزیر کشور در آیین تکریم و معارفه استانداران سابق و جدید زنجان، گفت: «تغییر استاندار در این برهه زمانی، سخت بود و باید توجه داشت که استانداران، رئیس‌جمهور در منطقه است و کسی که به استان می‌آید، باید مسیر درستی را که پایه‌گذاری شده ادامه داده و اعتماد عمومی و یک‌دلی را افزایش دهد.»

سیدحسین هاشمی با اشاره به رفتارهای جناحی، افزود: «در خدمت، دعوا نیست و در خدمت اگر کسی جناح را حاکم کند، به مردم ظلم کرده است. فشاری که در حال حاضر به کشور می‌شود، فشار کمی نیست و باید با همدلی از این مرحله عبور کنیم.»

او گفت: «بهتر است ذهن خود را براساس واقعیت تطبیق دهیم و نتایج ورود آمریکا در کشورهای همسایه مانند عراق و افغانستان را ببینیم و نباید فراموش کرد که مردم برای حمایت از انقلاب همیشه در صحنه هستند.»

قائم‌مقام وزیر کشور همچنین در حاشیه این مراسم در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره تعیین تکلیف استان‌هایی که فعلاً سرپرست برای آنها تعیین شده است، عنوان کرد: «همان‌گونه که روز شنبه اعلام شد، برای پست استانداری تعدادی از استان‌ها سرپرست در نظر گرفته شده که تلاش می‌شود در اسرع وقت استانداران این استان‌ها تعیین شوند.»

حسین هاشمی با اشاره به آخرین وضعیت مرزبانان ربوده‌شده از مرز میرجاوه، گفت: «در رابطه با آخرین وضعیت سرنوشت آنان درحال حاضر اطلاعات جدیدی در دست نیست و آخرین مطالب شامل توضیحات وزیر کشور درباره وضعیت این مرزبانان است.»

او با قدردانی از تلاش دولت پاکستان برای آزادسازی پنج مرزبان، عنوان کرد: «راستی بین دولت ایران و پاکستان برای آزادسازی سایر مرزبانان ادامه دارد.»

استاندار سابق تهران:

مرزنیسان باید خیالشان از مرکز کشور راحت باشد

● **ایلنا**: استاندار سابق تهران در مراسم تودیع استاندار تهران و معارفه سرپرست جدید این استانداری با اشاره به قانون خدمت بازنشستگان گفت: «این تصمیم، تصمیم خوبی مهم در این استان اتخاذ شده و فعالیت‌های اجرایی بزرگ در آن شکل می‌گیرد. همچنین شهر تهران الگوی بسیاری از شهرهای کشور است و مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این شهر بسیار اهمیت داشته و حضور خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران به این استان ویژگی خاص داده است.»

محمدحسین مقیمی افزود: «استان تهران در جمهوری اسلامی در یک جایگاه ویژه است و اگر با این تعریف به استان تهران نگاه کنیم، انجام وظیفه و پرداختن به تکلیف در این استان سخت می‌شود؛ چراکه تصمیمات اساسی و زیربنایی و مهم در این استان اتخاذ شده و فعالیت‌های اجرایی بزرگ در آن شکل می‌گیرد. همچنین شهر تهران الگوی بسیاری از شهرهای کشور است و مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این شهر بسیار اهمیت داشته و حضور خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران به این استان ویژگی خاص داده است.»

او با بیان اینکه تهران نیاز به مدیرانی دارد که برای خدمت به مردم سر را با پشت‌ناخته و وقت گذاشته و تلاش کنند تا مشکلات مردم برطرف شود، تأکید کرد: «اگرچه امکان‌ات زیادی در کشور وجود دارد اما ما دشمنان سرسختی داریم. آمریکا همه تلاش خود را می‌کند تا از نظر اقتصادی به ما ضربه بزند اما دلسوزان نظام و مقام معظم رهبری مدام بر ما نهیب زده و توصیه به فعالیت بیشتری می‌کنند. به‌ویژه به جوامع با توصیه می‌شود که تلاش و کوشش بیشتری داشته باشند. ما نیز باید در این استان به‌گونه‌ای کار کنیم که برای دیگر استان‌های کشور نمونه و الگو باشد تا افرادی که در مرزها زندگی می‌کنند، خیالشان از مرکز کشور راحت باشد و بدانند به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه می‌شود و این توجه به مسائل اثر خود را در جای‌جای کشور می‌گذارد.»

استاندار سابق تهران با بیان اینکه فرصت برای خدمت دائمی نیست، گفت: «باید از این فرصت که در اختیار ما قرار داده می‌شود، حداکثر استفاده را بکنیم و بدانیم که تنها چیزی که نمی‌توانیم برگردانیم، فرصت‌هایی است که از دست رفته است و با تمام توان در هر مسئولیتی که هستیم، از این فرصت برای خدمت به مردم استفاده کنیم.»

او همچنین ادامه داد: «بعد از اعتقاد به خدا هیچ چیزی بالاتر از سرمایه‌انسانی نیست و مدیران سرمایه‌جمهوری اسلامی هستند. درست است که نفت و منابع خوب است اما چیزی که آن را به حرکت درمی‌آورد، نیروی انسانی است. بنابراین به این راحتی اجازه ندهید مدیریت مورد